

کاسبان پساتحریم



توهم هن است

نظارت استصوابی شورای نگهبان

صفحه دوم



نشریه ی مستقل دانشجویی
سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
سال اول، شماره ی اول

شماره ی مجوز: ۹۴۳۴۷۵

سر دبیر و مدیر مسئول: محمد سعید ابراهیمی

هیئت تحریریه:

آقایان: سیدسعید حبیبزاده، آبتین نورانی،

محمدصادق اکبری، محمدسعید ابراهیمی

خانم ها: الهه سادات حسینی، صالحه رضایی،

فاطمه حسن زاده

طراح و صفحه آرا:

ابوالفضل عباسی و احمد قربانی پور

غوغاسالاری، تاکتیک جدید دولت

صفحه سوم



شگردهای انتخاباتی و عملیات روانی

صفحه سوم

سرمقاله

انقلاب نامیرا

ریشه های این درخت را بخشکاند و برای نیل به این مقصود تا کنون از حربہ های بسیاری استفاده نموده است که به حول الهی نقشه هایش نقش بر آب شده اند و اینک اما شاید آخرین تیر ترکش استکبار، نفوذ باشد. ایجاد استحاله در خواص و سابقون انقلاب و نفوذ در مراکز تصمیم سازی کشور، آن هدفی است که دشمنان انقلاب، در سر می پروراندند. غافل از آنکه دست نصرت خداوند متعال بر سر ماست و ملت بصیر ایران با اتکال بر حضرت حق، این مکر دشمن را نیز خنثی خواهند نمود.

آری، إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا...

| الهه سادات حسینی، حقوق ۹۲ |

فرانسه، پس از گذشت چهار دهه، از مسیر اصلی خود منحرف نشده است بلکه با عنایات خاصه حضرت حق و راهبری داهیانہ مقام عظمای ولایت و پایداری امت همیشه در صحنه، این انقلاب به بسیاری از مناطق جهان صادر شده است.

رویش های این انقلاب تا حدی وسیع بوده است که در این میانه ریزش های آن بسیار ناچیز می نماید. آری ریزش هم داشته ایم و برخی افراد که جزو سابقون انقلاب بوده اند از قطار انقلاب پیاده شده اند؛ این یک امر لابدمنه و یک سنت الهی است. سنت ابتلاء و امتحان. ای بسا شخصیت هایی همچون زبیر که معنون به لقب سیف الاسلام بود اما عقبه الامر به مخاصمه با امیر مومنان برخاست. از رشد و نمو این درخت گفتیم اما از این نیز نباید غفلت کرد که یزید زمانه مترصد فرصتی است تا

شکر ایزد که به اقبال کله گوشه گل نخوت باد دی و شوکت خار آخر شد گویی همین دیروز بود، زمستان ۵۷ را می گویم... زمستانی که به حکم آیه ی شریفه ی «جاء الحق و زهق الباطل» با فرار شاه معدوم و بازگشت امام روح الله از هجرت، مبدل به بهار گشت. بهار انقلاب...

و اکنون سی و اندی سال از رویش نهال انقلاب می گذرد و این نهال اینک مبدل به درخت تنومندی شده است؛ شجره ی طیبه ای که به تعبیر کلام الله، ریشه هایش در زمین استوار است و شاخسارانش در آسمان، دست افشانی می کند. درخت مثمیری که میوه های پرشماری در پی داشته است و این ثمرات منحصر در کشور عزیزمان نبوده و اکنون شاهد ثمر دادن این درخت پربار در اقصی نقاط جهان هستیم. الحمد لله والمنه این انقلاب نه تنها به مانند بسیاری انقلاب های بعضا بزرگ از جمله انقلاب



عبارت «کاسبان تحریم»، کلیشه ای بود که طیف حامیان دولت در آستانه ی انتخابات ریاست جمهوری یازدهم به دروغ آن را به جریان اصولگرا و ارزشی نسبت دادند و عدم وادادگی تیم مذاکره کننده ی دولت قبل و ایستادگی آن ها بر منافع ملی را دال بر رضایت دولت وقت از وضعیت تحریم عنوان می کردند و با شعار رفع تحریم ها و رونق اقتصادی، توانستند راهی پاستور شوند.

اندکی بعد اما مشخص شد مهدی هاشمی، فرزند خلف اکبر هاشمی رفسنجانی پیش از برگزاری انتخابات، پیشنهاد افزایش تحریم های ضد ایرانی را به وزارت خزانه داری آمریکا ارائه داده بود تا نارضایتی عمومی فزاینده ای نسبت به دولت وقت، ایجاد گردد و فضایی به وجود آید که مخالفت با سیاست های دولت دهم یک پوئن بزرگ برای کاندیداهای انتخابات یازدهم ریاست جمهوری محسوب گردد.

باتوجه به آنچه از نظر گذشت و با عطف توجه به این امر که بزرگترین حامی روحانی در جریان انتخابات، هاشمی رفسنجانی بود درمی یابیم که تحریم های سفارشی آقایان از یک سو و سردادن شعار رفع تحریم ها از دیگرسوی موجب اقبال

همچنان که دولت فعلی روی کار آمدن خویش را مرهون تحریم ها بوده است، همو خود، «بزرگترین کاسب پساتحریم» نیز می باشد.

کاسبان پساتحریم

رأی دهندگان به روحانی شد وبنابراین دولت،خود«بزرگترین کاسب تحریم»است. رفع تحریم ها موجب روی کار آمدن دولت روحانی گشت؛اینک اما نوبت به عمل به وعده های انتخاباتی است.فلذا مذاکرات هسته ای با رویکردی کاملا متفاوت از سر گرفته شد.

ظاهر امر این بود که دولت از باب «المومنون عند شروطهم» و بنابر وعده های انتخاباتی خویش درصدد رفع تحریم هایی است که معیشت و سلامت خانوارهای ایرانی را نشانه رفته است.

گذر زمان اما نشان داد که هدف اصلی دولت از مذاکرات،شکستن قبح مذاکره با آمریکااست و دولت مردان به انحاء مختلف شکستن تابوی مذاکره با آمریکا در سایر زمینه ها را دنبال می نمودند که رهبر معظم انقلاب،امام خامنه ای،صراحتا اعلام داشتند مذاکره با آمریکا صرفامحدود به مسئله ی هسته ای است و لاغیر.

دیگر هدف دولت از انجام مذاکرات آن هم به هر قیمتی ولو تهدید و تحقیر ایران توسط طرف مقابل،این بود که از رهگذر

توافق هسته ای و تعلیق موقت تحریم ها که منجر به گشایش اقتصادی مقطعی می گردد بتوانند افکار عمومی را به سمت جریان اصلاح طلب سوق دهند و فتح سنگر به سنگر را با کسب اکثریت کرسی های مجلسین شورای اسلامی و خبرگان رهبری،محقق سازند. استفاده ی جناحی از مذاکرات هسته ای مسئله ای است که سخنان دکتر ظریف در شورای روابط خارجی آمریکا،بهترین گواه بر آن است؛آنجا که در گفتگو با هاله اسفندیاری به این نکته اشاره می کند که در صورت بی نتیجه ماندن مذاکرات هسته ای،جریان سیاسی اصلاح طلب در انتخابات پارلمان، متحمل شکست خواهد شد.

از دیگر سوی،اجرای توافق هسته ای و تعلیق تحریم ها در این برهه نیز بی ارتباط با انتخابات پیش رو نیست. ابتنائا علی هذا، می توان گفت همچنان که دولت فعلی روی کار آمدن خویش را مرهون تحریم ها بوده است، همو خود، «بزرگترین کاسب پساتحریم» نیز می باشد.

|محمدسعید ابراهیمی ، حقوق ۹۲|

با ضمانت اجرایی همراه باشد.در حالی که در نظارت اطلاعی، ناظر صرفا مطلع می شود. این نظارت استصوابی است که فصل الخطاب چالش ها

خواهد بود چرا که ناظر حق اظهار نظر و نفی و اثبات و تأیید و تکذیب را دارد. یعنی در نظارت اصل بر نظارت استصوابی است و الا در نظارت اطلاعی پس از ذکر نظر ناظر، نیاز به مرجع دیگری برای تأیید یا رد این نظر می باشد که این موجب تسلسل و افزایش بار بوروکراسی و صرف هزینه و وقت می گردد.

با توجه به نهاد های حقوقی و قانونی مختلف در قانون اساسی که کار نظارت را برعهده دارند، به نظر می رسد که فلسفه ی نظارت که مراقبت بر اجرای صحیح تمام مراحل انتخابات و انتخاب نامزدهای صالح است، نیز نظارت استصوابی را تقویت می کند چرا که ضمن اجرای بهتر مراحل انتخاباتی است.

شورای نگهبان با این دلایل،نظارت را استصوابی تفسیر کرده و معتقد است که در یک سلسله مراتب قانونی، پس از نهاد ولایت فقیه- به عنوان مهمترین نهاد نظارت استصوابی- شورای نگهبان قرار دارد که علاوه بر وظیفه‌ی تفسیر اصول قانون اساسی، نهاد نظارتی محسوب می‌شود که بخشی از حضور و نظارت ولی فقیه را به صورت غیرمستقیم در جهت ضمانت اجرایی اسلامیت نظام و حافظ حقوق مردم، انجام می دهد.

|اصالحه‌رضائی ، حقوق ۹۲|

جریان موسوم به «اعتدال گرا» در بحبوحهی انتخابات ریاست جمهوری، با شعار رفع تحریمها و حصول گشایش در عرصهی اقتصاد در پرتو مذاکره با کشورهای غربی و خاصه جناب کدخدا، توانست با اکثریت شکنندهای اعتماد اکثریت رأی دهندگان را به خود جلب نموده، راهی پاستور شود.

دولت که کلید حل تمام مشکلات را در خارج از کشور جستجو میکند و همهی کاستیها و نارسائیها را برآمده از عدم رابطه با آمریکا تلقی مینمود، همهی تخم مرغهایش را در سبد سیاست خارجی چید و عملا توجه خاصی به سایر وزارتخانه‌ها معطوف نداشت به گونه‌ای که حتی برخی وزرای کابینه اجازه‌ی دیدار با رئیس‌جمهور نمیافتند و اخیرا مجبور شدند مراتب نارضایتی خویش از اوضاع وزارتخانه‌های متبوع خود را طی نامه‌ای به سمع و نظر ایشان برسانند.

سیاست خارجی اما با روی کار آمدن دولت فعلی، تغییر رویکردی بنیادین را تجربه کرد و سیاست خارجی ضربهی اولی و عزتمدار دولت های نهم و دهم گرفته شده است و از دیگر سوی،از محل به سیاست ضربهی دومی، تغییر یافت

غوغاسالاری، تاکتیک جدید دولت…



که بارزترین خصیصهی آن، انفعال مفرضی است که در سپهر سیاسی کشورمان به «دیپلماسی لیخند» مشهور گشته است. در طول فرایندمذاکرات هسته‌های که حدود دو سال به طول انجامید دولت فخیمه به بهانه‌ی قرار داشتن کشور در وضعیت تحریم،شانه از پذیرش مسئولیت و پاسخگویی خالی نموده، مقصر تمام مشکلات را پدیده‌ی تحریم خارجی معرفی می کرد به گونه‌ای که حتی آب خوردن را نیز به تحریم،پیوند می دادند.

اینک اما با اجرایی شدن برجام و تعلیق تحریم ها،از یک سو این بهانه از دولت گرفته شده است و از دیگر سوی،از محل اجرای توافق،تاثیر معتناهیی در اقتصاد

مروری بر شگردهای انتخاباتی و عملیات روانی

برخی احزاب و گروه های سیاسی، برای جلب نظر مردم از شیوه هایی استفاده می کنند که ما برآنیم تا در سلسله نوشتاری به توضیح و تبیین آن بپردازیم.

۱-**تکنیک ثبت نام حداکثری**

یکی از کارآمد ترین این تکنیک ها سیاست«ثبت نام حداکثری»است.جریان های سیاسی به دوجهدت از این تکنیک استفاده می نمایند؛اول آنکه با تحت فشار قرار دادن شورای نگهبان هزینه ی رد صلاحیت افراد مسئله دار را برای شورا بالا ببرند تا این نهاد از بیم مانور مظلومیت و پروپاگاندای رسانه ای این طیف،دفع افسد به فاسد نموده، صلاحیت این افراد را تأیید نماید.

دیگر آنکه در صورت کارگر نیفتادن فشارها بر شورای نگهبان و رد شدن صلاحت داوطلبینی که لیاقت و شایستگی تصدی سمت نمایندگی را ندارند،مبادرت به شبهه افکنی در سلامت انتخابات و مخدوش نمودن نتیجه ی آن نمایند.

چیزی که در این دوره شاهد و ناظر آن هستیم به گونه ای که تعداد داوطلبین مجلس شورای اسلامی از ۵۳۹۵ نفر در دوره ی نهم،به ۲۱۱۲۳نفر افزایش یافته است. در وهله ی اول شاید این سوال پیش بیاید که ثبت نام حداکثری شاید به جهت«حساس تکلیف»باشد و عده ای بگویند که برنامه ریزی شده دانستن این رویداد ناشی از نوعی«توهم توطئه»است اما

حاصل نگشته است؛از طرف دیگر،در آستانه ی انتخابات قرار داریم و چنانچه افکار عمومی به عدم تاثیر جدی تعلیق تحریم ها بر اقتصاد، پی ببرد اصلاح طلبان و طیف حامیان دولت، شانس موفقیت در انتخابات و محقق کردن راهبرد فتح سنگر به سنگر را از دست خواهد داد؛یعنی همان نکته ای که دکتر ظریف در روند مذاکرات هسته ای در شورای روابط خارجی آمریکا، بدان اشاره می نماید و متذکر می شود که حیات سیاسی اصلاح طلبان در گرو سرنوشت مذاکرات است.

در این میانه دولت چاره را در آن می بیند که با ایجاد یک جنجال علیه شورای نگهبان،اذهان را از پرسشگری پیرامون چرایی عدم تحول اقتصادی در دوران پسابرجام،باز دارد.

به دیگرسخن، مشکل اساسی طیف مزبور،نه نظارت استصوابی شورای نگهبان،بلکه کارنامه ی غیر قابل قبول دولت در بهبود سطح معیشت ایرانی است که نتیجه ی طبیعی آن، «نه بزرگ» به این اردوگاه، در انتخابات خواهد بود.

|محمدسعید ابراهیمی ، حقوق ۹۲|

بیشتر می شود.برای نمونه فاطمه هاشمی قبل از شروع روند احراز صلاحیت ها گفته بود؛اگر رصلاحیت ها گسترده باشد به طور قطع مردم نسبت به این مسئله ناراحت خواهند شد و عکس العمل نشان خواهند داد.

پس از اعلام نتایج بررسی صلاحیت ها نیز ۴استاندار که خود از مجریان انتخابات اند و باید بیطرف باشند نسبت به فرایند احراز صلاحیت ها اعتراض نمودند. استاندار خوزستان در واکنش به این امر گفته است:«رصلاحیت های غیرموجه داوطلبان تفاوتی با تقلب ندارد.» همچنین استاندار ایلام چنین واکنش نشان می دهد: «اینکه ۵۰ نفر رد شوند یعنی چی؟ یعنی ما چند نفر هستیم که برای مردم تصمیم می گیریم»

بنابراین وقتی این عوامل را در کنار یکدیگر قرار می دهیم در می یابیم که رشد قارچ گونه ی تعداد داوطلبین ناشی از سناریوی یک جریان سیاسی خاص است.

حال وظیفه ی ما در این وانفسا چیست؟ما به عنوان یک مسلمان ایرانی مکلفیم نهایت دقت خود را به خرج دهیم و سرنوشت خود را با هوشیاری و بصیرت رقم زنیم و حواسمان به نیرنگ های دشمن باشد؛چرا که«المومن کیس…» **ان شاءالله در شمارگان بعدی، به توضیح سایر شگردهای انتخاباتی و عملیات روانی،خواهیم پرداخت.**

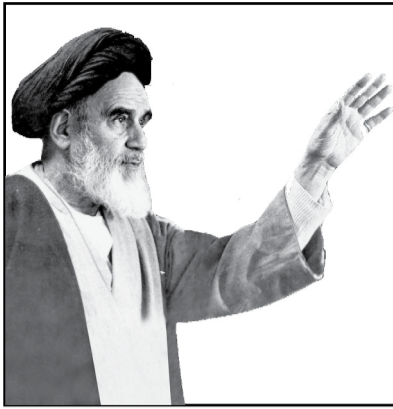
|آبتین نورانی ، علوم سیاسی |



مشکل اساسی طیف مزبور، نه نظارت استصوابی شورای نگهبان، بلکه کارنامه ی غیر قابل قبول دولت در بهبود سطح معیشت خانوار های ایرانی است

وقتی شواهد و قرائن را در کنار هم قرار می دهیم به نشانه هایی بر میخوریم که این گمان را تقویت می کند که پروسه ی ثبت نام ها طبق یک سناریوی از پیش تعیین شده، طی شده است.

از طرف دیگر، اقدام هیات های اجرایی فرمانداری ها در تأیید صلاحیت خیل کثیری از این افراد، شائبه ی مهندسی شده بودن این اقدام را تقویت می نماید.



نهاد شورای نگهبان همیشه مورد تائید اینجانب است و به هیچ وجه تضعیف نشده و نخواهد شد. این نهاد باید همیشه با پیداری و هوشیاری در خدمت به اسلام و مسلمین کوشا باشد.

(صحیفه امام ج. ۲ ص ۴۵۷)

عکس و مکث

تذکره الاشقیاء

۱- اکبر گنجی

اکبر گنجی در روز ۱۱ بهمن سال ۱۳۳۸، در کوی سیزده آبان شهر ری به دنیا آمد. گنجی بعد از گذراندن دوران دبستان و راهنمایی، به «هنرستان صنعتی» شهر ری رفت و تا سال ۱۳۵۷ که انقلاب آغاز شد، در هنرستان درس می‌خواند. گنجی بعد از پیروزی انقلاب بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ایران، در سال ۱۳۵۸ وارد سپاه پاسداران شد و در واحد عقیدتی که در آن روزها با عنوان واحد ایدئولوژی خوانده می‌شد به فعالیت پرداخت. اکبر گنجی از جمله افرادی بود که پس از سال ۱۳۶۰ با سیاست‌های حضرت امام (ره) مبنی بر ادامه جنگ مخالفت کرد. وی در سال ۱۳۶۳ از سپاه استعفا کرد. او پس از بیرون آمدن از سپاه، در سال ۱۳۶۳ به وزارت ارشاد اسلامی که در آن زمان توسط سید محمد خاتمی (باغی انقلاب) اداره می‌شد رفت.

اداره می‌شد رفت.

اکبر گنجی و دوم خرداد

با پیروزی محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ و در انتخابات ریاست جمهوری، یاران او که اکبر گنجی نیز در میان آن‌ها بود به نام اصلاح طلبان شهره شدند و فعالیت‌های گسترده سیاسی و اجتماعی را پی گرفتند. گنجی به دلیل سخنرانی توهین آمیز خویش با عنوان «واکاوی فاشیسم مذهبی» در دانشگاه شیراز مدتی در زندان بسر برد.

از افراط در انقلابی‌گری تا ژست روشنفکری وی در حالی اکنون با ژست روشنفکری، نظام جمهوری اسلامی را متهم به اقدامات ضد حقوق بشری می‌کند که در اوایل دهه ۶۰ در پاسخ به سؤالی در گزینش یک نهاد، درباره اقدامات دادگاه انقلاب و اینکه کدام کارهای دادگاه انقلاب مورد تأیید شما بوده و کدامیک مورد تأیید شما نیست، اینچنین نوشته بود:

«آن که مورد تأیید ماست، اعدام مفسدین است و آنکه نیست، برخورد مکتبی نکردن با ضد انقلاب است که هزاران ساواکی و گروه‌های ضد انقلاب در کمال مطلق آزادی، هر کاری دلشان می‌خواهد می‌کنند.»

محمدحسین صفارهرندی، درباره‌ی او می‌گوید: «اکبر گنجی که امروز ادعا میکنند آن روزها دنبال دخترهایی می‌گشت که چند تار مو از زلفشان بیرون زده و به روی آن‌ها اسید می‌پاشید و اینکه به او اکبر پونز می‌گفتند برای این بود که به پیشانی دخترهای جوانی که پوشش متفاوتی داشتند پونز می‌چسباند.»

زیر سوال بردن الهی بودن قرآن و وجود امام زمان (عج) اکبر گنجی به تدریج پای خود را از حد زیر سؤال بردن نظام جمهوری اسلامی فراتر نهاد و به تقلید از افرادی چون سروش و شبستری و به اسم «عقلانی کردن معتقدات دینی» به انکار بدیهی‌ترین اعتقادات مسلمین همچون کلام خدا بودن قرآن کریم، خاتم بودن پیامبر اسلام، وجود زندگی پس از مرگ و... پرداخته است.

«مساله‌ی اصلی قرآن محمدی این بود که قرآن سخن کیست؟ قرآن محمدی نشان داد که هیچ دلیلی بر کلام الله بودن قرآن وجود ندارد.»

«تاکنون حتی یک دلیل بر وجود موجود مقدس و معصومی با عمر بیش از هزار و دویست سال (مهدی موعود) اقامه نشده و اساساً اقامه شدنی نیست.» (مقاله «امام زمان به چه کار فقها می‌آید؟» ص ۲)

منبع: سایت shakhsiatnegar.com

به شرط حیات، توفیق و عدم توقیف، در شماره‌های آتی به بررسی بیوگرافی سایر مدعیان اصلاح طلبی خواهیم پرداخت.



تعارض مهدی
هاشمی در آستانه
انتخابات...

مدیونید اگه
فکر کنید مثل
سال ۸۸ در حال
سازماندهی اراذل
و اوباشه...



اندر احوالات
تایید فله ای و رد
صلاحیت هدفمند
هیات‌های
اجرایی انتخابات...



اگر پوست سگ
با دباغی پاک
شد، فتنه هم
تطهیر می‌شود

ارتباط با ما

لطفا انتقادات، پیشنهادات و نقطه نظرات خود را با ما در میان بگذارید...

۰۹۳۸۲۲۳۹۹۷۴

ghalam313@chmail.ir